

هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا

نویسندگان:

دکتر محمود یزدانی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه زنجان
یونس کاویانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی
کارشناس پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
ارسطو یاری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

طرح مساله

موضوع هویت در طی دهه‌های اخیر، یکی از چالش‌های اساسی در حوزه‌های مختلف جامعه بشری بطور اعم و حوزه شهری بطور اخص بوده است. اصطلاح «هویت» مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است؛ به دیگر سخن، «سهل و ممتنع بودن» از جمله ویژگی‌های اصلی موضوع هویت است.

از دیدگاه علوم مختلف، معانی مختلف و اهداف متنوعی برای این موضوع تصور شده است؛ لکن دانش جغرافیا با دیدگاهی جامع و سیستماتیک، بدنبال درک کامل و منطبق با شرایط موجود در مکانها و زمانهای متفاوت بوده که این ویژگی آن را از سایر علوم متمایز می‌گرداند؛ بر این اساس، اصطلاح «هویت فضایی» را در کانون توجه قرار داده و بدنبال واکاوی آن از این بُعد می‌باشد؛ زیرا که مطابق تعاریف؛ فضا در کانون بررسی‌های دانش جغرافیا جای دارد (شبلینگ، ۱۳۷۷، ۱۰۴) و این رشته هر چیزی را در بستر فضایی آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۳۶۰، ۲۱). حال در انطباق و بکارگیری این موضوع با محیط شهری بر پیچیدگی‌های آن هر چه بیشتر افزوده خواهد شد. لذا، این نوشتار در پی آنست تا با رویکردی جامع و علمی موضوع هویت فضایی را در محیط شهری مورد کنکاش قرار دهد تا از این طریق به درکی درست و آگاهانه و منطبق بر اصول دانش جغرافیا در ارتباط با هویت دست یابد.

چکیده

موضوع هویت در طی دهه‌های اخیر، یکی از چالش‌های اساسی در حوزه‌های مختلف جامعه بشری بطور اعم و حوزه شهری بطور اخص بوده است. اصطلاح «هویت» مفهومی انتزاعی است که در عین سادگی از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است. از دیدگاه علوم مختلف، معانی مختلف و اهداف متنوعی برای این موضوع تصور شده است؛ لکن دانش جغرافیا با دیدگاهی جامع و سیستماتیک، بدنبال درک کامل و منطبق با شرایط موجود در مکانها و زمانهای متفاوت بوده که این ویژگی آن را از سایر علوم متمایز می‌گرداند؛ بر این اساس، اصطلاح «هویت فضایی» را در کانون توجه قرار داده و بدنبال واکاوی آن از این بُعد می‌باشد. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم هویت از دیدگاه‌های مختلف، با توجه به تمامی ابعاد موثر در هویت‌آفرینی فضاهای سکونتگاهی، برآیندی از آنها در قالب «هویت فضایی» مورد توجه قرار گرفته است و در نهایت مولفه‌های موثر در هویت فضایی تشریح شده است.

واژه‌های کلیدی:

هویت، فضا، هویت فضایی، هویت مکانی، هویت محیطی، شهر^۲

۱- Identity

۲- Space

۳- Urban

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بصورت کیفی و مبتنی بر مطالعات دقیق کتابخانه‌ای و مروری است. این نوشتار می‌کوشد تا با استفاده از روش‌های تحلیلی-تفسیری موضوع هویت فضایی را با استنادات کامل علمی به ویژه از دیدگاه دانش جغرافیا بطور سیستماتیک و نظام مند بشکافد.

هویت

هویت، مقوله‌های ارزشی و هنجاری است که بحث در مورد آن، مستلزم ارزش‌گذاری و موضع‌گیری هنجاری است (میرمقتدایی، ۱۰، ۳۸۵). در بسیاری از متون تخصصی و پژوهش‌ها، مطالعه هویت در محیط مصنوع با توجه به نظریه‌های ادراک محیط و علوم رفتاری انجام شده است (دانشپور، ۲۶، ۱۳۷۹).

محمدعلی فروغی نیز در کتاب سیر حکمت در اروپا در برابر کلمه indentite (انگلیسی identity) کلمه ترکیبی اینهمانی را بجای کلمه هوی متداول در عربی به کار برده است.

در ارتباطات عرفانی ایران، هویت در جامعترین معنا به ذات مطلق تعبیر می‌شود و از این رو گاه به معنای هستی و وجود آمده است. هویت از هر دیدگاهی همراه با طبیعت و ماهیت اشیاء آشکار میشود ماهیت آنچه شیء بودن شیء به آن است هنگامی که تشخیص مییابد و خود را از شیء بودن دیگر گونه متمایز می‌کند (رحیم زاده، ۲۶۵، ۱۳۷۲). فرهنگ معین واژه هویت را ذات باریتعالی، هستی وجود و آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد تعریف کرده است (معین، ۱۳۷۱، ۲۰۱۷).

قیصری هویت را ماهیت مشخص تعریف کرده است. در این تعریف ماهیت، کیفیت هویت را و تشخیص قابلیت نهفته برای تشخیص آن را معلوم می‌کند. از انطباق عین و ذهن است که هویت اشیاء احراز می‌شود. در این تعبیر لزوم وضوح تصویر شیئی و ماندگاری آن در ذهن برای انطباق‌های شناختی بیان گشته است (یزدانی و دیگران، ۷، ۱۳۸۶).

هویت، در واقع زبان بیان ارزشها و سبملهاست. بیانی است بدون صدا برای برقراری ارتباط اجتماعی بین افراد داخل یک گروه یا جامعه، که ممکن است برای افراد خارج از گروه کاملاً نامفهوم باشد. بنابراین، بقای هویت [اجتماعی] در یک جامعه، بستگی مستقیم به بقای گروه یا جامعه و فرهنگ آن دارد و هرگونه تغییر شدید و زیربنایی در جامعه و فرهنگ آنها می‌تواند به انهدام و مرگ هویت منجر شود (راپاپورت، ۱۹۸۲). پرسش هویت در جامعه

فقدان درک جامع و یکپارچه از هویت در سطح سکونتگاهی بطور اعم و در سطح شهرها بطور اخص کاملاً مشهود است که این امر شاید بطور مستقیم متأثر از محدودیت دیدگاه‌ها و مبانی نظری آنست.

مدنی، پرسش چگونه «خود» ماندن است، نه چگونه همان ماندن (رحیم زاده، ۱۳۷۸، ۲۶۶).

بررسی و مرور کلی مطالعات مربوط به موضوع هویت در سطح سکونتگاه‌های انسانی نشان می‌دهد که هویت از چند بعد مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ که از آن جمله می‌توان به ابعاد زیر اشاره کرد:

هویت مکانی؛

هویت محیطی؛

هویت کالبدی؛

هویت اسلامی و غیره.

باید یادآوری کرد که تا کنون متخصصان حوزه شهرسازی بیش از سایر رشته‌ها به این موضوع پرداخته‌اند. در این ارتباط، فقدان درک جامع و یکپارچه از هویت در سطح سکونتگاهی بطور اعم و در سطح شهرها بطور اخص کاملاً مشهود است که این امر شاید بطور مستقیم متأثر از محدودیت دیدگاه‌ها و مبانی نظری آنست. دانش جغرافیا با بکارگیری موضوع هویت در بستر فضا تا حدودی بر محدودیتهای فراروی و پیش گفته غالب شده است و با مطالعه هویت در چارچوب فضا-در مفهوم فضای جغرافیایی-بنوعی ضمن فراهم آوردن امکان تلفیق دیدگاه‌های مختلف در یک دیدگاه جامع، بسترهای بهتر و واحدتری را برای عملیاتی شدن آن در عرصه‌های سکونتگاهی بطور اعم و عرصه‌های شهری بطور اخص فراهم می‌آورد؛ از اینرو، «هویت فضایی» برآیند حاصل از مجموع دیدگاه‌ها بشمار می‌رود. در ادامه ضمن معرفی و تبیین هر کدام از مفاهیم مورد نظر برای هویت در سطح سکونتگاهی، هویت فضایی تشریح و تبیین خواهد شد.

هویت مکانی

معنای مکان ریشه در محیط فیزیکی اشیاء و فعالیتها دارد، هویت مکان تابع نمودهای ظاهری و سیمای آن است و نه تنها به وجوه خاص مکانها که به شباهت بین مکانهای مختلف نیز نظر دارد.

رخدادها و کنشها تنها در زمینه مکانهای خاص با اهمیت اند و از هویت این مکانها متأثرند، هر چند به نوبه خود بر آن نیز اثر می گذارند

تداوم خواهند داشت. چنین مکانهایی را میتوان بر پایه کارکرد یا تجربه اجتماعی و شخصی تعریف کرد. این مکانها می توانند در مقیاسهای مختلف مطرح شوند، در سطح ملی، مکان من، کشور من است، اما در موقعیتهای دیگر، مکان من میتواند استان، ناحیه، شهر یا خانه ای باشد که در آن زندگی می کنم. مکانها عناصر اصلی نظم تجربی ما از دنیا هستند.

هویت مکانی با توجه به تصویر فردی و گروهی از مکان تغییر می کند. در واقع، تصویر و انگاره یک مکان، هویت آن است. انگاره یک مکان حاوی تمام عناصری است که با تجارب افراد یا گروه ها و انگیزه آنها از آن مکان پیوند دارد. انگاره های مکانی، هم از ساختار عمودی و هم از ساختار افقی برخوردار است. ساختار عمودی برخوردار از لایه هایی است که اساساً با سطوح متفاوت بیرونی و درونی مرتبط است. ساختار افقی، توزیع اجتماعی شناخت مکانهای مختلف میان و بین افراد، گروه ها و جمعهای مختلف است. به عبارت دیگر، برای گروه ها و اجتماعات با منافع و شناختهای مختلف، مکانها هویتها متفاوتی دارند (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۵۲-۵۰). در مجموع با توجه به آنچه گفته شد، علیرغم تمام نقاط قوت که از مفهوم هویت مکانی به تعبیر مختلف وجود دارد، محدودیتهایی نیز در این ارتباط وجود دارد که مانع جامعیت و همه جانبه بودن آن می شود که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

هویت مکانی منحصر به مدنظر قرار دادن ماهیت فیزیکی و اشیاء موجود در آن مکان خاص است.

این برداشت از هویت بیشتر در راستای شناخت ساختارهای مکانی است و کمتر به نیروها، روندها و کارکردهای حاکم بر آن توجه دارد.

اگر چه در سخن از نقش نیروها و ساختارهای اجتماعی در مکان صحبت به میان می آید، لکن در عمل از راهکارهای لازم و شیوه های تاثیر گذاری به نحو بهینه و کامل بی بهره است.

باز نمود نیاز به امنیت در طراحی محیط، در قالب نشانه هایی در فرم های مصنوع ظاهر می شوند، این فرمهای مصنوع نیازهایی را که به آنها اشاره دارند برآورده می سازند

ای. رلف شناخت مکانها را حلقه های ضروری در زنجیره معرفت می داند. انسانها ناگزیر باید مکانهایی را که در آن کار می کنند و آرامش به دست می آورند بشناسند. به نظر رلف، هر چند شناخت عملی از مکانهای مختلف برای انسان ضروری است، اما این شناخت نسبتاً مصنوعی بوده و متکی بر کارکردهای آشکاری است که مکانها برای ما دارند. اهمیت واقعی مکان را میتوان در کنشهای افراد و گروه هایی که در برابر نیروهای خارجی از مکان خود دفاع میکنند یا دچار بیماری وطن و یا حسرت و نوستالژی نسبت به مکانهای خاص می شوند، فهمید. انسان بودن به معنای زیستن در دنیایی سرشار از مکانهای با اهمیت است. انسان بودن به معنای برخورداری از مکان و شناخت نسبت به این برخورداری است. به تعبیر مارتین هایدگر «مکان، جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست». لاکرمن در تحلیلی از مفهوم مکان به شش مؤلفه اصلی اشاره می کند.

مکان مفهوم و واقعیتی عینی و کاملاً محسوس است. مکانها ترکیبی از عناصر طبیعی و فرهنگی هستند. هر مکانی، نظم و منظر خود را داراست که آن را از مکان دیگر متمایز می سازد. این بدان معناست که هر مکانی وجود خاص خود را دارد.

مکانها، استقرار می یابند و جزئی از نواحی وسیعتر هستند. مکانها در حال ظهور و شکل یافتند. با تغییرات فرهنگی و تاریخی، عناصر نو اضافه و عناصر قدیمی محو می شوند. بنابراین، مکانها واجد مؤلفه های تاریخی اند.

مکانها دارای معنا بوده و به وسیله عقاید انسانی، تشخیص می یابند.

رلف در خصوص جوهر مکان اظهار می دارد که یک مکان، مرکز کنش و انگیزه است، کانونی است که ما حوادث معنادار وجود خود را در آن تجربه میکنیم. در واقع، رخدادها و کنشها تنها در زمینه مکانهای خاص با اهمیت اند و از هویت این مکانها متأثرند، هر چند به نوبه خود بر آن نیز اثر می گذارند. مکانها در ساختارهای انگیزشی آگاهی و تجارب انسانی ادغام میشوند.

مکانها، زمینه هایی اند که در آن اشیاء یا گروه هایی از اشیاء یا حوادث به گونهای معنادار تعریف می شوند. مکانها به مثابه اشیاء کانون انگیزه بوده و اغلب از جوهری برخوردارند که در قالبی قابل فهم،

هویت محیطی

به عقیده هیوم تمام اقدامات بشر در مراحل مداخل و شکل دادن به محیط مصنوع به گونه‌های در جهت پاسخگویی به نیازهای انسانی است. نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه هویت محیط را میتوان در زمره نیازهای ثانوی پراکنده‌ی واکنشی پنهان دانست. هویت محیط بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر هستند تا نیازهایی که به جسم وی سر و کار دارد وقتی چیزی در محیط وجود نداشته باشد، نیاز به هویت محیط بیشتر احساس میشود. بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان است که در حس تعلق انسان به محیط نقش مهمی دارد. باز نمود نیاز به امنیت در طراحی محیط، در قالب نشانه‌هایی در فرم‌های مصنوع ظاهر می‌شوند، این فرم‌های مصنوع نیازهایی را که به آنها اشاره دارند برآورده می‌سازند (بزدانی و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۹).

به نظر می‌آید که در این بیان مفهوم امنیت با مفهوم نشانه‌گذاری فضا به منظور تسهیل در درک فضا و خوانایی و در نتیجه شناخت و تاثیرش در حس امنیت مترادف بیان شده است (Wong, 2003, p. 11).

هویت محیطی به تعبیری برداشتی دیگر و یا ترکیبی از هویت کالبدی و هویت مکانی است.

این مفهوم نیز عمدتاً سیمای بصری سکونتگاه، شهر و بستر طبیعی را مد نظر قرار می‌دهد.

در برخی از مطالعات، مفهوم هویت محیطی منحصر به حفظ شرایط طبیعی بسترهای مکانی است و کمتر به سایر ابعاد سکونتگاه می‌پردازد (امیری، ۱۳۸۴؛ رضوانی، ۱۳۸۴؛ رضوی، ۱۳۸۴؛ عمرانی، ۱۳۸۴).

هویت کالبدی

تحلیل مطالعات و پژوهش‌های موجود در ارتباط با هویت کالبدی نشان میدهد که هویت کالبدی در غالب موارد مترادف بررسی مورفولوژی شهر و شخصیت شهر است. شخصیت در ادبیات طراحی شهری مفهوم عملکردی داشته و به ویژگی‌های ظاهری قابل اندازه‌گیری مربوط میشود. در «کمیسیون معماری و محیط مصنوع» ضمن تعریف شخصیت به صورت «مکانی با هویت خاص خود»، ایجاد هویت را یکی از اهداف طراحی شهری بر شمرده است (CABE, 2000).

برابر تعاریف موجود هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر،

شخصیت در ادبیات طراحی شهری مفهوم عملکردی داشته و به ویژگی‌های ظاهری قابل اندازه‌گیری مربوط میشود. در «کمیسیون معماری و محیط مصنوع» ضمن تعریف شخصیت به صورت «مکانی با هویت خاص خود»، ایجاد هویت را یکی از اهداف طراحی شهری بر شمرده است

در عین تداوم زمانی؛ در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود (میرمقتدایی، ۱۳۸۵، ۲۴).

در این چارچوب، ویژگی‌های شکلی مثبت یک مکان و ساکنان آن در شخصیت خاص و حس هویت آن تأثیرگذار است این ویژگی‌ها شامل منظر، سنت‌های ساختمان‌سازی و مصالح ساختمانی، الگوهای زندگی محلی و عوامل دیگری هستند که یک مکان را از دیگر مکانها متمایز می‌گرداند (میرمقتدایی، ۱۳۸۵، ۳۲). در رویکرد مورفولوژیک به شهر نیز منظر شهری و سیمای بصری آن مورد توجه شهرسازان و طراحان شهری قرار دارد.

بررسی تجارب و مطالعات صورت گرفته توسط معماران و شهرسازان نشان میدهد که در نهایت مفهوم هویت کالبدی منحصر به تعاریف و شناخت ویژگی‌ها و مناظر بصری محورها و فضاهای خاص شهری می‌باشد. در این ارتباط بررسی و جایگاه سایر عناصر عملکردی بفراموشی سپرده شده است (whitehead, 2005).

هویت فضایی

مفهوم فضای بر حسب افراد و نقش آنها و همچنین ویژگی‌های زمانهای تاریخی متغیر بوده است (دولفوس، ۱۳۷۴، ۷۴). فضا در مفهوم خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند، ولی به محض آنکه یک گروه انسانی فعالیتی را در یک مکان مطرح می‌کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود، از این پس فضا بستری برای بیان فعالیتها و رفتارهای انسانی می‌گردد، محلی برای تخیل و واقعیت (حبیبی، ۱۳۷۸، یک). انسان در کنش خویش بر آنست تا محیط طبیعی را به محیط جغرافیایی، یعنی محیطی که انسانها آن را در بوتۀ گذشته تاریخی خود ساخته و سپس پرداخت کرده اند، مبدل کند (دولفوس، ۱۳۷۴، ۴۷).

هر فضایی از بُعد زمانی و مکانی برخوردار است و شامل مجموعه‌ای از فرمهاست که تحت تأثیر روابط و روندهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی - اکولوژیک در طول زمان شکل گرفته اند و بازتاب خود را به صورت

جوهر و معنای اصلی فضا از کارکردهایی که بستریهای مکانی آنها اعمال می کنند، از ساکنان آن و یا از تجارب مصنوعی و پیش پا افتاده به دست نمی آید، هر چند تماما وجوه مشترک و ضروری فضا به شمار می روند، اما جوهر فضا در هدفداری ناخودآگاهانه ای نهفته است که آن را به مثابه مراکز بنیادین تجارب و آگاهی انسانی تعریف می کند.

«چشم انداز» نشان می دهند. هر فضایی با سیمای ظاهری، با روند فعالیتها و با تراکم جمعیت انسانی و با جریانههای گوناگون خود را متمایز می کند (همان، ۹۱). از این رو هویت را در جغرافیا باید در گستره فضا جستجو کرد، بر این اساس، در جغرافیا شکل گیری «فضای با هویت» از اهمیت خاصی برخوردار است.

جوهر و معنای اصلی فضا از کارکردهایی که بستریهای مکانی آنها اعمال می کنند، از ساکنان آن و یا از تجارب مصنوعی و پیش پا افتاده به دست نمی آید، هر چند تماما وجوه مشترک و ضروری فضا به شمار می روند، اما جوهر فضا در هدفداری ناخودآگاهانه ای نهفته است که آن را به مثابه مراکز بنیادین تجارب و آگاهی انسانی تعریف می کند. برای هر کس پیوند و آگاهی عمیق نسبت به فضایی که در آن تولد یافته، رشد کرده یا هم اکنون در حال زندگی و تردد است، وجود دارد. این پیوند، منبع اساسی هویت و امنیت فردی و فرهنگی است.

زمان، مکان، انسان و عمل، هویت غیر قابل تفکیکی را میسازند (Abolina, 2002). زمینه، معنا و عمل عناصری در هم تنیده اند که در فهم هویت فضا باید در نظر گرفته شوند و توجه صرف به یک بعد از عناصر متشکله فضا مثل مکان، محیط طبیعی، انسان و غیره اشتباهی روش شناختی در عرصه فکر و عمل است، که پیامد آن نیز چه بسا به آشفتگی بیشتر

از این منظر شهر و فضای شهری به تناسب زمان، مکان، ویژگیهای انسانی - محیطی و جهان بینی حاکم بر آن، از هویت خاص و متفاوتی برخوردار است و به همین دلیل ضروری است تا هر گونه اقدامی در راستای توسعه فضا و یا دگرگونی آن، بر پایه شناخت از آنها باشد.

فضا خواهد انجامید؛ بنابراین، برآیند این مجموعه از منظر ساختاری - کارکردی (Cecilia 2005, p. 18)، فضایی است که از ویژگیهای منحصر بفردی برخوردار است و انسان خود را با آن میشناسد و نیز تمام ابعاد ذهنی و عملی او تحت تاثیر آن قرار دارد. لذا، اولویت و برتری انتخاب الگوی هویت فضایی بر سایر انواع مباحث هویتی آشکار می شود.

از این منظر شهر و فضای شهری به تناسب زمان، مکان، ویژگی های انسانی - محیطی و جهان بینی حاکم بر آن، از هویت خاص و متفاوتی برخوردار است و به همین دلیل ضروری است تا هر گونه اقدامی در راستای توسعه فضا و یا دگرگونی آن، بر پایه شناخت از آنها باشد. لازم به ذکر است که این امر به معنای دوری جستن از تمام آنچه که در جهان یا محیط اطراف است - بویژه در سطح جهانی - نیست. بلکه آمیزه ای از اینهاست که می تواند به بهترین وجه در راستای تحکیم هویت در فضای شهری بکار آید. با توجه به مطالب پیش گفته، هویت فضایی از ویژگیها و مؤلفه های خاصی برخوردار است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

مولفه های هویت بخش در فضای جغرافیایی

الف) تمایزات مکانی - قضایی^۴

یکی از ویژگیهای اصلی فضای جغرافیایی وجود تمایز است. ر. هارتشون در تعریفی از جغرافیا آن را «علم مطالعه مکانها» (شکویی، ۱۸، ۱۳۷۹) معرفی می کند و «تمایز مکانی» را از خصیصه های اصلی فضا بر می شمرد. بر این اساس، هر فضا دارای ویژگیهای منحصر بفردی است که آن را از سایر فضاها متمایز می کند. ا. دولفوس نیز معتقد است که «هر فضایی با سیمای ظاهری، با روند فعالیتها و با تراکم جمعیت انسانی و با جریانههای گوناگون خود را متمایز می کند (دولفوس، ۱۳۷۴، ۹۱). لاکرمن^۵ معتقد است که مکانها ترکیبی از عناصر طبیعی و فرهنگی اند، هر مکانی نظم و منظر خود را داراست که آن را از مکان دیگر متمایز میسازد. این بدان معناست که هر مکانی، وجود خاص خود را دارد. مکان، تنها ناظر به جایی خاص نیست؛ بلکه عبارت است از موقعیت و یا محتوایی که در آن جای گرفته است (افروغ، ۱۳۷۷، ۵۰). در واقع در جهان به سرعت در حال یکپارچه شدن امروز که نمود بارز آن را - از سطح کلان - در فرم یکسان سکونتگاه ها - تا سطح بسیار خرد - در رفتارها، باورها و حتی طرز تفکرات یکسان مردم

۴- Spatial diversification

۵- Lukermann

فضا با تمامی مقیاسهای ممکن اش از فضای جهانی تا خرده فضاهای رویه‌های روزمره پیوسته تغییر می‌کند. این فضاها در عین حال در متن اجتماعی شان جای دارند و هویت‌های چندگانه اما بهم مرتبط را امکانپذیر می‌سازند

به وضوح میتوان ملاحظه کرد، هویت ندای تمایزات فضایی است. آنچه که امروز فضاها را به سمت نوعی یکسانسازی پیش می‌برد، عدم توجه به همین تفاوت‌های مکانی - فضایی است و در بسیاری از مواقع، توسعه نیافتگی هم در واقع از همین امر نشأت می‌گیرد.

ب) توجه به نیازهای انسانی

پاسخگویی به نیازهای مختلف اجتماعی - اقتصادی مستلزم ایجاد فضاهایی است که با کارکردهای خود آنها را برآورده نمایند پس، ایجاد هر فضایی در راستای پاسخگویی به نیازهای انسانی است (یاری، ۱۳۸۵، ۱۶)، از این رو فضایی که بین کارکردهای آن با نیازهای انسانی انطباق نداشته باشد، فضایی بی هویت است. اگر چه نیازهای انسان مشترک است ولی امکانات، محدودیتها و شرایط مختلف حاکم بر هر مکان باعث شده تا ساختارهایی که در راستای رفع نیاز توسط انسان برپا می‌شود، کاملاً متفاوت از هم باشد. در این زمینه به طور مثال میتوان به فرم مسکن و محلات شهری یا روستایی در نواحی سرد و مرطوب کوهستانی (نواحی غربی کشور) و تفاوت آن با نواحی گرم و خشک کویری (نواحی ایران مرکزی) یا با نواحی بسیار مرطوب مدیترانه ای (نوار شمالی ایران) اشاره کرد. نوع معماری و ساخت و ساز، نوع مصالح، ترکیب فضاها و شکل آنها کاملاً آنها را از هم متمایز می‌نماید.

ج) انطباق پذیری ساختاری - کارکردی

مبحث کارکردپذیری را می‌توان در ادامه و تکمیل کننده مبحث پیشین فرض کرد. از این منظر، هویت را در فضا باید در انطباق و هماهنگی عملکردهای آن (فضا) با نیازهای جامعه جست. بر این اساس، هر ساختاری دارای کارکرد خاص خود است و هر ساختاری، کارکردی معین و متناسب با خود را امکانپذیر میکند و نمیتوان هر کارکردی را از هر ساختاری انتظار داشت (سعیدی ۱۳۸۲، ۱۸). از اینرو، جوهر و معنای اصلی مکانها از کارکردهایی است که مکانها اعمال می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۷، ۵۲).

بطور کلی پدیده‌ها و عناصر طبیعی یا انسان ساخت می‌تواند در ارتباط با نقش و عملکردی که از خود بروز می‌دهند و نیز در ارتباطی که با سایر پدیده‌ها و فضاهای شهری برقرار می‌کنند، به عنوان یک عامل موثر در سازمان یابی، ساختار بندی و یا شناسایی و تشخیص یک فضا موثر افتاده و چه بسا خود را به

عنوان نماد آن فضا مطرح سازد، که در نهایت هویت خاصی را در ابعاد محلی و یا منطقهای برای آن فضا تعریف کنند؛ در این حالت ارتباطی که این پدیده‌های فضایی با سایر فضاها و عناصر برقرار می‌کند - بالعکس - خود بیانگر نقش و اهمیت آن در سازماندهی ساختارهای فضای شهری است. مثلاً نحوه آرایش، سیمای ظاهری و یا جهت یابی مسکن و شبکه‌راه‌ها در هر شهر یا روستا، تصاویر ذهنی^۶ خاصی را در ذهن ساکنان و یا شهروندانش ایجاد می‌کند. وجود تصاویر ذهنی مشخص و معلوم و البته مطلوب وابستگی را به فضا تقویت می‌بخشد. وابستگی یا حس تعلق به مکان، زمانی اتفاق می‌افتد که آن مکان یا فضا از نظر جغرافیایی با هویت باشد. عبارتی، دارای کارکردی متناسب و منطبق باشد.

د) شناخت

انسان بودن به معنای برخورداری از مکان و شناخت نسبت به این برخورداری است (لاکرمین). انطباق^۷ یا سازش پذیری عملکردها با ساختارها، نقش مهمی را در شناخت و در نهایت در هویت بخشی فضاهای جغرافیایی بازی میکند. این ویژگی (شناخت) که خود برآیند و متأثر از توجه به عواملی چون کارکردپذیری و توجه به نیازهاست، را در بسیاری از شهرهای ایرانی بویژه شهرهای قدیمی بوضوح میتوان ملاحظه کرد. به گونه‌ای که نوع مصالح مورد استفاده در ساخت بناها و انطباق آن با مواد محلی در دسترس، جهتگیری ساخت بناها به پیروی از عوامل طبیعی (نورگیری، جریان باد و...) و غیر طبیعی (جهانبینی و...)، وجود عناصری منحصر بفرد در برخی از شهرها به تبع موقعیت خاص جغرافیای اش (مثلاً وجود آب انبار و یا بادگیر در شهرهای ایران مرکزی که نشان از نحوه سازش پذیری انسان با شرایط سخت طبیعی از جمله دمای بالا، بارش کم و غیره دارد، یا وجود سقفهای

۷- Subjective image

۸- Adaptation

۶- فضای با هویت، فضایی توسعه یافته است.

با مشاهده یک فضای خاص میتوان به نیازهای جامعه و اقتضات زمانی - مکانی آن، شناخت پیدا کرد. در واقع این شناخت بازگویی هویت آن فضا است که تنها از طریق تحول متناسب آن میتوان بدان دست یافت. پس وقتی بتوان از روی فرم و کارکرد فضا به شرایط واقعی موجود در آن جامعه به اقتضای زمان و مکان شناخت پیدا کرد در واقع میتوان آن فضا را با هویت نامید

زیرا همان طور که گفته شد «هویت وسیله ای برای دستیابی به شناخت است»؛ این در حالیست که اگر فضا تحول پذیر نباشد، نمیتواند به نیازهای آدمی پاسخ بدهد و یا کارکردهای متناسب را بر عهده بگیرد؛ لذا با واقعیات مکانی - فضایی انطباق و سازگاری نخواهد داشت.

بنابراین، از دید جغرافیا - برخلاف دیدگاه برخی از نظریه ها و آراء که هویت را در لابه لای برگهای تاریخ جستجو میکنند - هویت را باید با توجه به ویژگی متحول بودنش در ابعاد گذشته، اکنون و آینده جست. به فراموشی سپردن هر کدام از این ابعاد باعث انفصال تاریخی و زمانی در هویت یک جامعه خواهد شد. هویت مانند تصاویر پی در پی متغیر است اما اجزایی ثابت را داراست که در هر لحظه هر یک از تصاویر را به ماقبل آن مرتبط می سازد. یا در حداقل ثبوت عناصر تا مراحل ادامه مییابد که رخنمون پدیده این همانی تسهیل گشته تداوم و موجودیت هویت ممکن گردد. مجاز بودن تغییر در حین پیوستگی در این دیدگاه را میتوان در انواع هویت‌های پویا امری ضروری دانست، چرا که اگر غیر آن بود در مقابله با به روز شدن مسئله ای می گشت که قبول آن غیر منطقی می نماید، تغییر پویایی که حذف آن میتواند سکون و رکود تلقی گردد.

نتیجه گیری

رویکردهای مختلفی در ارتباط با موضوع هویت وجود دارد که هر کدام از دریچه‌های خاص به آن می نگرند. این رویکردها در رشته های مختلف طرفدارانی دارد. بطور مثال معماران هویت کالبدی، شهرسازان هویت مکانی و متخصصان علوم زیست محیطی هویت محیطی را مدنظر قرار داده‌اند. هر کدام از رویکردها ضمن تأکید بر برخی از ویژگیها و مباحث مهم از محدودیتهایی برخوردارند که مانع از جامعیت آنها

شیروانی (شیبدار) در مناطق شمالی ایران در انطباق با عامل طبیعی بارش و غیره، نشان از انطباق و هماهنگی بین عناصر و عوامل طبیعی و غیرطبیعی باهم دارد، که در نهایت در آفرینش فضا موثر خواهند بود.) مهمترین نتیجه ایجاد یا وجود انطباق در این حالت، تقویت شناخت بصری و ذهنی است، به گونه ای که با وجود این ویژگی میتوان به بسیاری از واقعیات مستتر در بطن فضاها و ساختارهای شهری پی برد. وجود این ویژگیها، نقش مهمی در هویت بخشی به فضاهای شهری دارد.

ه) تحول پذیری

فضا با تمامی مقیاسهای ممکنش از فضای جهانی تا خرده فضاهای رویه های روزمره پیوسته تغییر می کند. این فضاها در عین حال در متن اجتماعیشان جای دارند و هویت‌های چندگانه اما بهم مرتبط را امکانپذیر می سازند (مدنی پور، ۴۲، ۱۳۸۴). مفهوم فضا، بر حسب افراد و نقش آنها و همچنین ویژگیهای زمانهای تاریخی متغیر بوده است (دولفوس، ۷۴، ۱۳۷۴)، و در واقع تحول پذیری شرط اصلی برای حفظ هویت در فضا است. از آنجایی که نیازهای آدمی در ابعاد زمانی - مکانی همواره در حال تغییر است و سطح دسترسی انسان به تکنولوژی نیز در مقیاس زمان تغییر می کند؛ لذا شکلگیری فضاها نیز - که در راستای پاسخگویی به نیازهاست - و به تبع آن «چشم اندازهای جغرافیایی» در طول زمان به مدد سطح فناوری و نوع نیاز متحول خواهند بود. بر این اساس هویت فضاها نیز در طول زمان متحول خواهند شد و در هر زمانی، فضاهایی با هویت را میتوان آفرید در حالی که از هم متمایز هستند. رلف نیز معتقد است که هویت، ایستا و غیر قابل تغییر نبوده و دوشادوش تغییر گرایشها و جریانهای مختلف، دگرگون می شود. او هم چنین معتقد است که فضاها در حال ظهور و شکل یافتن هستند. با تغییرات فرهنگی، عناصر نو اضافه و عناصر قدیمی محو می شوند، بنابراین مکانها واجد مولفهای تاریخی اند (افروغ، ۱۳۷۷، ۵۲). از این رو با مشاهده یک فضای خاص میتوان به نیازهای جامعه و اقتضات زمانی - مکانی آن، شناخت پیدا کرد. در واقع این شناخت^۹ بازگویی هویت آن فضا است که تنها از طریق تحول متناسب آن میتوان بدان دست یافت.. پس وقتی بتوان از روی فرم و کارکرد فضا به شرایط واقعی موجود در آن جامعه به اقتضای زمان و مکان شناخت پیدا کرد در واقع میتوان آن فضا را با هویت نامید و هویت واقعی آن را باز شناخت.

۹- Cogintion

- میشود. برابر واقعیات موجود در بطن فضای زیستی انسانها – سکونتگاه‌ها – مفهوم هویت از ویژگیهای چند بعدی برخوردار است؛ لذا، این ویژگیها ضرورت چارچوبی ثابت را بر اساس مبانی نظری قوی ایجاب می نماید. دانش جغرافیا با بکارگیری فضا در کانون مطالعات خود بسترهای لازم را برای تدوین این چارچوب فراهم ساخته است. نتایج این مطالعه نشان میدهد که توجه به عوامل و مولفه هایی چون تحول پذیری در بستر زمان و مکان، تمایزات و انطباق ساختی – کارکردی، شناخت و غیره در مباحث مربوط به هویت سکونتگاهی لازم و ضروری بوده و از این طریق بسترهای لازم برای تحقق واقعینانه و جامع برنامه ریزی سکونتگاهی به طور اعم و برنامه ریزی شهری به طور اخص فراهم می شود. در واقع، هر فضایی که از این ویژگیها برخوردار باشد، فضایی با هویت است. به سخن دیگر، در ساخت و ایجاد فضاهای شهری توجه به نیازهای انسانی و ایجاد فضاهایی که بتوانند با کارکردهای ویژه خود به رفع این نیازها کمک بنماید، لازم و ضروریست. از این طریق نوعی انطباق هماهنگی و سازگاری در میان سلسله مراتب فضایی و نیازهای جامعه شهری ایجاد می گردد که در نهایت با مشاهده آنها میتوان یک شناخت و معرفت از واقعیات مستمر در بطن آن فضا پی برد.
- یزدانی، محمود و دیگران، طراحی و تدوین شاخصهای هویت شهری، سازمان شهرهای جدید، ۱۳۸۶.
- رضوانی، علیرضا؛ در جستجوی هویت شهری مشهد، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- رضوی، محمد رضا؛ سلیمانی، سارا؛ در جستجوی هویت شهری سنج، اصفهان، وزارت مسکن و
- عمرانی، مرتضی؛ در جستجوی هویت شهری اصفهان، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- امیری، پیمان؛ در جستجوی هویت شهری اردبیل، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- معین، محد؛ فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
- مرقتدایی، مهتا و دیگران، هویت کالبدی شهر – مطالعه موردی تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ۱۳۸۵.
- حبیبی، سید محسن؛ از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تائر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- Mark, Wong, Spaces and symbols, Routledge publishers, 2003.
- Abolina K. and Zilans A. (2002). Evaluation of Urban Sustainability in Specific Sectors in Latvia. Environment, Development and Sustainability, Vol. 4, Kluwer Academic Publishers, The Netherlands, pp. 299-314.

منابع و مأخذ

- افروغ، عماد؛ فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۷
- دولفوس، اولیویه؛ فضای جغرافیایی؛ ترجمه سیروس سهلانی، انتشارات محقق، تهران، ۱۳۷۴
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ بازشناسی مفهوم هویت در فضای شهری (خیابان) – نمونه موردی: تهران – خیابان انقلاب، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- رحیم زاده، محمدرضا؛ مفهوم هویت؛ دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، ۱۳۷۲
- سعیدی، عباس؛ مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲
- شافر، فرانتس؛ جغرافیای اجتماعی؛ ترجمه عباس سعیدی، مجله رشد آموزش جغرافیا، ۱۳۶۸
- شکویی، حسین، فلسفه های محیطی و مکتبهای جغرافیایی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۹
- مدنی پور، علی؛ طراحی فضاهای شهری؛ ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و پژوهشهای شهری، وابسته به شهرداری تهران، ۱۳۸۴
- یاری، ارسطو؛ نقش پذیری روستا – شهری با تأکید بر تحولات ساختاری – عملکردی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵